



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

<p>که عشق آسان نمود اول و افشا در مشکها ز تاب عیبش کینش خون افشا در دلهما که سالک بیخبر نبود ز راه و رسم منزلها جوس فرا پا میدارد که بر بند محکمها لجا دادند حال ما بس که در آن سا حلها زمان کی ماند آن راز گزوستا زنده محفظها</p>	<p>الایا ایتها التی اور کاسا و ناو لهما بوی نافه کا خوصبا زان طره بید بجی سجاده ز تکلیف کن کرش معاین مراد منزل جان چرامن و عشق حقان شب تاریک و بیم موج و گردا چین همه کارم ز خود کامی بدنامی کشید آفر</p>
---	--

حضور که همخواهی از وفایر شوقا
 مستی مانق من تهوی دع الدینا و ا
 محفظها

<p>آبروی خوبی از چاه رخندان شما خاطر مجموع مازلف پریشان شما</p>	<p>ای فروغ ماه حسن از رو رخشان شما کی دست این غرض باریت بکسان شما</p>
--	--